



گزارش میدانی از گشت و گذار در دنیای
رمال ها و بازار داغ آرزوهای محال

تجارت سیاه طلسم های میلیونی

صفحه ۶

سفیر پیشین ایران در آلمان در گفت وگو با هفت صبح
از کاهش سطح تجاری دو کشور می گوید

برلین شریک دیروز؛ منتقد سیاسی امروز

بخش عمده صنعت ایران با همکاری آلمان ها شکل گرفت
اما سیاست خارجی نادرست، این فرصت را از بین برد

صفحه ۲



مرد جوان موقع درست کردن سالاد برای ناهار
با همسرش درگیر شد و با چاقوی آشپزخانه او را کشت

خودسوزی مرد عاشق بعد از قتل همسر

صفحه ۷

دونر کباب؛ از مهاجرت ترک ها تا قلب فرهنگ آلمان

قیمت کباب ترکی در آلمان به ۷ یورو رسیده و اعتصابات
کارگری در کارخانه های تولید گوشت، ترس از کمبود این
غذای محبوب را دامن زده است



گفت و گو با اعظم السادات
سیادت، نویسنده و تصویرگر
کتاب کودک و نوجوان

تصویر؛ روایتی بی کلام ولی پر حرف

تصویرگری کودک یعنی
ساختن نیایی که بچه ها در آن
خیال پردازی و احساس امنیت کنند

صفحه ۵

سر مقاله

جست و جوی معنا در کوچه های بن بست

چرا قشری از جامعه به رمال ها پناه می برد؟

در کوچه های تاریک و پارکینگ های وهم آلودی که گزارش امروز صفحه اجتماعی به آن پرداخته است، مردمی از طبقات مختلف پر از ناامیدی گرد هم می آیند تا ز رمال ها و فال گیرها راه حلی برای مشکلاتشان بخرند. این صحنه ها، فراتر از یک تجارت غیراخلاقی، نشانه ای از بحرانی عمیق تر در جامعه است، بحرانی که امیل دور کیم، جامعه شناس برجسته فرانسوی آن را آنومی می نامد که در آن هنجارهای اجتماعی را از هم جدا کرده و افراد در خلأ ارزش ها و معانی مشترک، احساس سرگشتگی و بی ریشه گی می کنند. اما چرا جامعه ای به سمتی می رود که افرادش برای یافتن امید به طلسم های میلیونی و مهره های مار کبری پناه می برند؟

خلأ هنجارها در جامعه مدرن

جامعه به عنوان یک موجودیت جمعی، نیازمند همبستگی اجتماعی است که از طریق ارزش ها، هنجارها و مناسک مشترک حفظ می شود. در جوامع مدرن، تحولات سریع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می توانند این همبستگی را تضعیف کنند. در ایران امروز، فشارهای اقتصادی مانند تورم، بیکاری و افزایش هزینه های زندگی، همراه با شکاف های طبقاتی فزاینده، ساختارهای سنتی حمایت اجتماعی را متزلزل کرده است. خانواده ها که زمانی منبع اصلی حمایت عاطفی و اقتصادی بودند تحت فشارهای مالی و اجتماعی از هم می پاشند یا توانایی حمایت از اعضای خود را از دست می دهند. در این فضا، افراد احساس می کنند که دیگر به نهادهای سنتی مانند خانواده، مذهب رسمی، یا دولت نمی توانند تکیه کنند. حالتی که در آن قواعد اجتماعی دیگر راهنمای رفتار نیستند و افراد در جست و جوی معنا و کنترل بر زندگی خود به راه حل های غیرمتعارف روی می آورند. خلأ هنجارها به ویژه در شرایطی تشدید می شود که افراد با عدم قطعیتی متعدد مواجهند. برای مثال کسی که برای باز شدن گرمای از زندگی ۵۵ میلیون تومان هزینه می کند، در واقع در تلاش است تا در جهانی پر از بی ثباتی حس کنترل را بازسازی کند.

مناسک کاذب؛ جایگزینی برای همبستگی از دست رفته

رمال ها و فال گیرها در این بستر به عنوان «مناسک جایگزین» ظاهر می شوند. مناسک،

رسمی در پاسخ به نیازهای اقتصادی و روانی مردم، خلأیی ایجاد کرده که رمال ها و فال گیرها به سرعت آن را پر کرده اند. گزارش نشان می دهد که این خدمات دیگر محدود به طبقات پایین نیست؛ حتی افراد مرفه در محله های بالای شهر نیز به فال گیرها با قیمت های چندمیلیونی روی می آورند که نشان دهنده گسترش آنومی به تمام لایه های جامعه است، جایی که حتی ثروتمندان نیز احساس عدم قطعیت و ناامنی می کنند. برای مثال، نبود نظام مشاوره روان شناختی در دسترس و مقرون به صرفه، افراد را به سمت فال گیری می برند، جذابیت بیشتری دارند. اما گزارش نشان می دهد که حتی طبقات مرفه نیز به فال گیرهای «VIP» با دگرهای لوکس و قیمت های چندمیلیونی روی می آورند. این امر نشان دهنده گسترده گی آنومی است که نه تنها فقرا، بلکه ثروتمندان را نیز در بر گرفته زیرا حتی آن ها نیز برابر عدم قطعیت های اجتماعی و اقتصادی احساس ناامنی می کنند.

بازسازی همبستگی اجتماعی و پایان دادن به چرخه ناامیدی

برای خروج از آنومی، جامعه نیاز به بازسازی همبستگی اجتماعی از طریق نهادهای کارآمد و ارزش های مشترک دارد. در مورد ایران، این به معنای تقویت نهادهای عمومی مانند نظام آموزشی، خدمات اجتماعی و مشاوره های روان شناختی است که بتوانند به نیازهای واقعی مردم پاسخ دهند. وقتی دولت و نهادهای رسمی در ارائه امید و راه حل ناکام می مانند، جای تعجب نیست که مردم به سمت پارکینگ های تاریک و کوچه های بن بست خرافه کشیده شوند. این امر هشداری است به جامعه ای که در غیاب هنجارهای قوی و نهادهای کارآمد، در دام مناسک کاذب و تجارت ناامیدی گرفتار شده است. برای رفع این بحران، باید به ریشه های آنومی پرداخت. کاهش شکاف های طبقاتی، تقویت حمایت های اجتماعی و ایجاد فضایی که در آن افراد بتوانند بدون نیاز به طلسم های میلیونی به آینده امیدوار باشند. تازمانی که این خلأ پر نشود، رمال ها و فال گیرها همچنان در سایه های جامعه به تجارت خود ادامه خواهند داد و مشتریان ناامید، با داستانی لرزان و جیب هایی خالی، در انتظار معجزه ای خواهند ماند که هرگز از راه نمی رسد. جامعه ای که نتواند امید و معنا را از طریق نهادهای رسمی فراهم کند، محکوم به گم شدن در کوچه های بن بست و تاریک است.

ثبت نام دانش آموزان در آستانه هر سال تحصیلی، برای بسیاری از خانواده های ایرانی نه یک رویداد پرامید و انگیزه بخش، بلکه کابوسی تکرار شونده و طاقت فرسا شده است. صدای زنگ مدرسه، که روزگاری نماد شادی و یادگیری برای کودکان بود، اکنون برای والدین به نشانه ای از آغاز فصلی پر از فشارهای مالی و روانی تبدیل شده است. این بحران خاموش، اما عمیق در لحظه ای خود را نشان می دهد که والدین با فهرستی از هزینه های سرسام آور مواجه می شوند؛ هزینه هایی که به جای شهریه های معمول یک مدرسه ابتدایی یا متوسطه، بیشتر به شهریه های دانشگاه های خصوصی گران قیمت شباهت دارند. این واقعیت تلخ، نه تنها خانواده ها را در تنگنای مالی قرار داده، بلکه امید به آینده ای برابر و عادلانه برای فرزندان شان را نیز کمرنگ کرده است.

اصلی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت اعلام می کند که «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.» این اصل، که به عنوان یکی از پایه های عدالت اجتماعی در قانون اساسی تدوین شده، قرار بود تضمین کننده دسترسی همه کودکان به آموزش با کیفیت باشد. اما در سال های اخیر، رشد فاسدگرسیخته مدارس غیردولتی، این اصل بنیادین را به حاشیه رانده و آموزش را به کالایی لوکس تبدیل کرده است. مدارس غیردولتی، که در ابتدا قرار بود به عنوان مکملی برای نظام آموزشی دولتی عمل کنند، حالا به رکن اصلی یک «نظام آموزشی خصوصی شده» تبدیل شده اند؛ نظامی که در آن کیفیت آموزش، امکانات مدرسه و حتی امنیت روانی دانش آموزان به توانایی مالی والدین گره خورده است. این تحول نه تنها نابرابری های اجتماعی را تشدید کرده، بلکه اعتماد عمومی به نظام آموزشی را نیز به شدت تضعیف کرده است.

شهریه های مصوب، هزینه های پنهان

در ظاهر، وزارت آموزش و پرورش هر ساله فهرستی از شهریه های مصوب برای مدارس غیردولتی منتشر می کند تا به نظر آید که نظارت کافی بر این مدارس وجود دارد. اما واقعیت برای والدین کاملاً متفاوت است. آن ها با مجموعه ای از هزینه های پنهان مواجه می شوند که فراتر از شهریه های اعلام شده است. این هزینه ها شامل مواردی چون کلاس های تابستانی اجباری، برنامه های فوق برنامه، اردوهای گران قیمت، کلاس های تقویتی و آمادگی برای کنکور، لباس فرم با قیمت های نجومی، هزینه های تغذیه و سرویس

نگاهی به هزینه های سرسام آور مدارس غیردولتی و فشار مضاعف بر خانواده ها آموزش رایگان یا تجارت آموزشی؟

آموزش با کیفیت را محدود کرده، بلکه آینده تحصیلی و شغلی کودکان را نیز به شدت تحت تاثیر قرار داده است. والدین بسیاری، به ویژه در طبقه متوسط، ناچارند برای تامین هزینه های تحصیل فرزندان خود در مدارس غیردولتی، خود را به آب و آتش بزنند. این مدارس با وعده هایی چون ارائه آموزش های پیشرفته، یادگیری زبان های خارجی، دسترسی به معلمان خصوصی و ایجاد فضای رقابتی برای موفقیت در کنکور، خانواده ها را به سوی خود می کشانند. اما در بسیاری از موارد، این وعده ها یا به طور کامل اجرا نمی شوند یا با کیفیتی نازل ارائه می گردند. در نتیجه، آنچه بیش از همه به چشم می آید، شکل گیری مدارسی با ویژگی های «وی آی پی» است که صرفاً برای طبقات مرفه و خاص طراحی شده اند و خانواده های متوسط و فرودست را در گردونه رقابت آموزشی جایی ندارند.

عملکرد ناکافی دولت برابر بحران

دولت و نهادهای مسئول، تاکنون در مواجهه با این بحران عملکردی محدود و اغلب نمایشی داشته اند. اقداماتی نظیر چند تذکر شفاهی، تعطیلی موقت برخی مدارس متخلف، یا پلمب نمادین چند موسسه آموزشی، نتوانسته اند جلوی رشد بی رویه و بدون نظارت این نظام تجاری شده را بگیرند. این اقدامات، که بیشتر به منظور آرام کردن افکار عمومی انجام می شوند، به هیچ وجه به ریشه های اصلی مشکل توجه نکرده اند. ریشه این بحران در ساختاری نهفته است که آموزش را از یک خدمت عمومی و همگانی به کالایی سودآور برای برخی موسسان و سرمایه گذاران تبدیل کرده است. این ساختار، نه تنها فرصت های برابر را از بین برده، بلکه امید خانواده ها به آینده ای عادلانه برای فرزندان شان را نیز به شدت کاهش داده است. نظام آموزشی کنونی در ایران، به جای آنکه ابزاری برای کاهش نابرابری ها و ایجاد فرصت های برابر باشد، به عاملی برای تشدید شکاف های طبقاتی تبدیل شده است. هر هزینه های سرسام آور مدارس غیردولتی، فشارهای مالی و روانی بر خانواده ها و ناتوانی دولت در مهار این بحران، نشان دهنده عمق فاجعه ای است که آینده نسل های بعدی را تهدید می کند. برای رفع این معضل، نیاز به اصلاحات ساختاری عمیق، نظارت جدی تر بر عملکرد مدارس غیردولتی و بازگشت به اصل آموزش رایگان و با کیفیت برای همه است. تازمانی که آموزش به عنوان یک امتیاز طبقاتی باقی بماند، نمی توان امید به تحقق عدالت اجتماعی داشت.

آموزش به مثابه امتیاز طبقاتی

در چنین شرایطی، آموزش در ایران از یک حق همگانی به یک امتیاز طبقاتی تبدیل شده است. اگر در گذشته، آموزش رایگان به عنوان ابزاری برای ایجاد فرصت های برابر و تحرک اجتماعی عمل می کرد، حالا شکاف عمیق نابرابری آموزشی، جامعه را به دو بخش تقسیم کرده است: گروهی که توانایی پرداخت هزینه های گزاف را دارند و گروهی که از این امکان محرومند. این شکاف طبقاتی، نه تنها دسترسی به



سفیر پیشین ایران در آلمان در گفت و گو با هفت صبح از کاهش سطح تجاری دو کشور می گوید

برلین شریک دیروز؛ منتقد سیاسی امروز

بخش عمده صنعت ایران با همکاری آلمان ها شکل گرفت اما سیاست خارجی نادرست، این فرصت را از بین برد



آمنه سادات موسوی

هفت صبح

دانش آموخته اقتصاد است اما بیشترین تجارب شغلی اش در دستگاه سیاست خارجی کشور رقم خورده است. می گوید: «برای جذب سرمایه گذاری خارجی باید دست به ایجاد تغییراتی اساسی در سیاست خارجی کشور و سیاست نگاه به غرب و شرق داشته باشیم و بعد هم سیاست داخلی ایران را براساس نگاه به آینده و با در نظر گیری منافع و مصالح کشور تنظیم کنیم چرا که در غیر این صورت نمی توانیم راهی از پیش ببریم.»

علی ماجدی که سال ها در مقام سفیر در کشورهای برزیل، ژاپن و آلمان حضور داشته، در کسوت معاون اقتصادی وزارت خارجه، معاون بین الملل وزارت نفت، معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارایی و در برهه ای مشاور اقتصادی نخست وزیر وقت «میرحسین موسوی» فعالیت کرده. او از جانب وزیر صنایع و معادن دولت اصلاحات «اسحاق جهانگیری» عضو کارگروه مذاکره کنندگان هسته ای ایران در زمینه اقتصاد بود و سال ها بعد در بحبوحه امضای توافق جامع هسته ای به آلمان رفت و کوشید تا از تجارب خود برای ترغیب تجار و بازرگانان این کشور در ایران استفاده کند که نتیجه آن حضور نمایندگان از شرکت های زمینس، فولکس واگن، BASF و مذاکرات دو پروژه بزرگ در آفاسکرین حوزه های بالادستی نفت ایران بود.

مصاحبه «هفت صبح» با این سفیر پیشین در کشورهای آلمان، ژاپن و برزیل دارای موضوعات مهمی در مقوله «لرزم چرخش در سیاست خارجی و داخلی ایران» است که متن این گفت و گو بدین شرح است:

در دوره ای که در آلمان حضور داشتید، حجم مبادلات تجاری تهران و برلین چقدر بود و این آمار در حال حاضر در چه جایگاهی قرار دارد و کاهش صورت گرفته به چه دلایلی بوده است؟

پیش از بازگشت من به ایران، میزان واردات و صادرات ایران و آلمان در حدود ۲٫۵ میلیارد یورو بود و الان حدود ۱٫۶ تا ۱٫۷ میلیارد یورو است یعنی سطح روابط تجاری ما حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون یورو کاهش داشته و تحریم ها قطعاً در این روند تاثیر گذار بوده است.

در گذشته مناسبات سیاسی ایران و آلمان تحت تاثیر روابط اقتصادی دو کشور بود و چندان در پیچ و تاب روابط سیاسی ایران و اروپا گرفتار نمی شد اما در زمان جنگ ۱۲ روزه تهران و تل آویو، برلین پیش از دیگر کشورهای اروپایی با حمایت از موضع اسرائیل و با نادیده گرفتن وضعیت مردم ایران، حتی در موضع قدر دانی از اقدام تل آویو برآمد؛ موضوعی که برای مردم ایران بسیار درد آور بود.

آلمانی ها به دلیل وقایع هلو کاست و عملکردشان در زمان هیتلر

گزارش

از مزرعه تا زباله دان

آب تهران چگونه هدر می رود؟

سالانه نزدیک به دو میلیارد متر مکعب آب در زمین های کشاورزی تهران صرف محصولات می شود که هر گز به دست مصرف کننده نمی رسند

تهران، شهری که میلیون ها نفر زیر سقف هایش زندگی می کنند، حالا به سختی می تواند آب مورد نیاز خود را تامین کند. بحران آب در پایتخت دیگر پدیده ای آینده نگرانه یا هشدار کارشناسانه نیست، بلکه واقعی ترین شکل ممکن از فروپاشی تدریجی یک چرخه حیاتی ست. چرخه ای که آب را از کوه و دشت به شهر ها می رساند و از لوله ها به درون خانه ها می برد اما شگفتنا که درست در دل همین بحران، ۱٫۸ میلیارد متر مکعب از منابع آبی استان تهران سالانه صرف آبیاری مزارعی می شود که بسیاری از محصولات آن، هیچ گاه به بازار نمی رسند. محصولاتی که یا در مسیر حمل و نقل از بین می روند، یا مشتری ندارند، یا اصولاً برای مصرف داخلی برنامه ریزی نشده اند. آیا پایتختی که برای هر قطره اش چاره جویی می کند، می تواند همچنان چنین حجم عظیمی از آب را صرف تولید بی هدف کند؟

ضایعات، زخم باز بخش کشاورزی

طبق گزارش های رسمی، حدود ۳۰ درصد از محصولات کشاورزی کشور از مزرعه تا مصرف کننده نهایی به ضایعات تبدیل می شوند. یعنی از هر سه کیلو محصول زراعی یک کیلو هیچ گاه به دست مصرف کننده نمی رسد. وقتی به سبزیجات و صیفی جات می رسیم، اوضاع وخیم تر می شود زیرا تولید سبزیجات حدود ۵۰ درصد بیش از نیاز کشور است و میوه ها نیز با ۲۵ درصد مازاد تولید مواجه اند

نهایی به ضایعات تبدیل می شوند. یعنی از هر سه کیلو محصول زراعی یک کیلو هیچ گاه به دست مصرف کننده نمی رسد. وقتی به سبزیجات و صیفی جات می رسیم، اوضاع وخیم تر می شود زیرا تولید سبزیجات حدود ۵۰ درصد بیش از نیاز کشور است و میوه ها نیز با ۲۵ درصد مازاد تولید مواجه اند. این آمار، در دل خود حقیقتی دردناک پنهان دارند. آب مصرف شده برای این محصولات نیز عملاً به هدر رفته است. به عبارتی، ما نه تنها مواد غذایی را دور می ریزیم، بلکه آب پشت آن ها را نیز بی هدف مصرف می کنیم؛ آبی که می توانست صرف تامین شرب یا حفظ منابع زیرزمینی شود.

زراعت بی برنامه

چرا باید این همه مازاد تولید داشته باشیم؟ پاسخ را باید در سیاست گذاری های قدیمی و بدون بازنگری جستجو کرد. بسیاری از کشاورزان هنوز با الگوهای می کارند که دهه ها پیش آموزش دیده اند. اگر فلاں سبزی یا میوه بازار خوبی داشته باشد، در عرض چند فصل همه به سمت کاشت آن می روند، بی آن که

و نازی ها، همیشه خود را مدیون و بدهکار اسرائیل می دانند و نمی دانم چه زمانی می خواهند به این موضوع خاتمه دهند. اسرائیل همواره نفوذ بسیار زیادی در این کشور داشته و همین نفوذ موجب حذف برخی از چهره های سیاسی آلمان شد که به ایجاد توازن در سیاست های خاورمیانه ای برلین باور داشتند. جالب است بدانید اسرائیلی ها بعد از آمریکا، بیشترین نفوذ را نه در فرانسه و انگلیس بلکه در آلمان دارند و آن هم به دلیل همان موضوعی است که به آن اشاره کردم یعنی هلو کاست.

یعنی افول روابط اقتصادی ایران و آلمان هم تحت تاثیر همان مقوله نفوذ اسرائیل است؟

موضوعات مختلفی در این روند دخیل بوده اند از جمله مسئله تحریم ها. وقایع سال ۱۴۰۱ و شعار آن رویداد یعنی «زن، زندگی، آزادی» هم آن را تحت تاثیر قرار داده است. در دوره وزارت خارجه «آنا بریوک» که از اعضای حزب سبزهای آلمان بود بر میزان تنش های دو کشور افزوده شد. این وضعیت ناخوشایند با آمدن مجدد ترامپ به قدرت نیز تشدید شد و موجب شده تا تهران و برلین در مسیر ناصوابی قدم بردارند.

روابط ایران و اروپا در ادوار مختلف با فراز و نشیب های زیادی همراه بوده. یکی از مهمترین این موارد خروج تمامی سفرای اروپایی از ایران بعد از وقایع دادگاه میکونوس بود که البته در دولت اصلاحات و با در پیش گرفتن شعار گفت و گوی تمدن ها از سوی خاتمی منجر به بازگشت این سفرا به ایران شد. حالا نیز مناسبات ایران و اروپا تحت تاثیر حمایت از اسرائیل، حمایت تهران از گروه های مقاومت و البته موضوعات مرتبط با پرونده هسته ای ایران چندان جالب نیست. این مناسبات می تواند بهبود پیدا کند یا خیر؟

بارها گفته ام که نگاه به شرق برای کشور ما کافی نیست. باید در سیاست های حوزه دیپلماسی کشور نگاه متوازنی به تمامی کشورهای جهان داشته باشیم؛ یعنی نه به دنبال غرب ستیزی باشیم و نه شرق ستیزی. آمریکاستیزی ما موجب شده که فرصت همکاری و کار با هم پیمانان ایالات متحده را از دست بدهیم. با سیاست های فعلی از پتانسیل برقراری یا ارتقای مناسبات سیاسی و اقتصادی با بیشتر کشورهای جهان محروم می شویم.

اجازه دهید موضوع را به صورت دیگری بیان کنم. تمامی کشورهای جهان تلاش می کنند تا با ارائه طرح های مزیتی رقابتی خود به کشورهای مختلف جهان، زمینه سرمایه گذاری یا اجرای پروژه های اقتصادی و تجاری را با کمک و سرمایه گذاری کشورهای دیگر پیش برند. ما در ایران علاوه بر اینکه به این سیاست و راهبرد بی اعتنا هستیم، فرصت های بالقوه ای که از قبل موقعیت استراتژیک کشورمان نصیب مان شده را هم از بین می بریم. در مورد همین کشور آلمان، بخش عمده صنعت ایران توسط همین کشور به پیش رفته و همیشه یک نگاه اقتصادی مثبت به کشورمان داشتند. تردیدی در این مورد نداشته باشید اما شرایط بین المللی و مشکلات ما

شرایط بین المللی و مشکلات ما با آمریکا باید حل و فصل شود تا برلین اقبالی برای افزایش همکاری های اقتصادی با تهران داشته باشد. اگر یک رابطه عادی داشته باشد. اگر یک رابطه عادی

با جهان شرق و غرب داشته باشیم، شرایط برای توسعه اقتصادی کشور فراهم می شود و می توانیم به بهبود وضعیت کشور امیدوار باشیم

آمریکاستیزی ما موجب شده که فرصت همکاری و کار با هم پیمانان ایالات متحده را از دست بدهیم. با سیاست های فعلی از پتانسیل برقراری یا ارتقای مناسبات سیاسی و اقتصادی با بیشتر کشورهای جهان محروم می شویم



ایران و اروپا؛ روی دور نوسان

حجم مبادلات اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا در بخشی از دوره سازندگی و اصلاحات تا ۲۰ میلیارد دلار در سال بالغ می شد ولی در اواخر دولت احمدی نژاد، حجم مبادلات ایران و اروپا به شدت کاهش یافت، طوری که براساس گزارش یورواستات، ایران در چهار ماه ابتدایی سال ۱۳۹۱ تنها ۲۶۰ میلیون یورو به اتحادیه اروپا صادرات داشت، در حالی که این رقم در دور مشابه سال ۱۳۹۰ سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو بود. بخش عمده ای از صادرات ایران به اروپا یعنی نفت خام بود، از نیمه دوم ۱۳۹۰ شمسی، کلاً متوقف شد و صادرات اروپا به ایران نیز از ۶ میلیارد یورو به بیش از یک میلیارد یورو سقوط کرد.

حال خوش اقتصاد پسابر جام



پس از امضای برجام، صادرات اتحادیه اروپا به ایران در سال ۲۰۱۷ حدود ۳۱ درصد رشد داشت و به ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو رسید و مبادلات تجاری ایران و ۲۸ عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۲۱ میلیارد یورو اعلام شد. همچنین مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در این سال که دومین سال اجرایی شدن توافق جامع هسته ای بود با رشد ۵۳ درصدی نسبت به سال قبل از آن همراه بود و واردات اتحادیه اروپا از ایران در سال ۲۰۱۷ با رشد ۸۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن به بیش از ۱۰ میلیارد یورو رسید. کشورهای اروپایی در سال پیش از آن نیز ۵٫۵ میلیارد یورو کالا از ایران وارد کرده بودند که نفت و حامل های انرژی عامل مسلط در رشد تجارت کالایی ایران بود.

کشاورزی برای شرب مانند قرض گرفتن از آینده است. این آب ها ذخایر استراتژیک اند و مصرف بی برنامه آن ها می تواند تعادل اکوسیستم های محلی را بر هم بزند.

تغییر الگو؛ تنها راه نجات

بسیاری از کارشناسان معتقدند که بدون بازنگری اساسی در سیاست های کشاورزی، برنامه های کشت و وجود ندارد. مصرف آب در کشاورزی باید هوشمند، هدفمند و بر اساس نیاز بازار باشد. حذف تدریجی محصولات پر مصرف و جایگزینی آن ها با گیاهان کم آب بر، ارتقای زیرساخت های نگهداری و آموزش کشاورزان، از مهم ترین گام های این مسیر است. تغییر تنها در سطح شبکه های لوله کشی کافی نیست؛ باید در ذهنیت برنامه ریزان و کشاورزان نیز تحولی جدی رخ دهد. چون منشأ اصلی بحران، نه در نشت لوله ها، بلکه در سیستمی است که آب را به مزرعه ای می فرستد که محصولش بی مصرف می ماند.

فیزیکی» محسوب نمی شود، اما از منظر منابع ملی، شکلی از اتلاف است که پیامدهای زیست محیطی و مالی دارد. در شرایطی که کشور با محدودیت منابع آبی مواجه است، بی تفاوتی نسبت به این نوع مصرف، نوعی غفلت سیاست گذارانه به حساب می آید.

زیرساخت های فرسوده؛ زخمی بر پیکره شبکه آب

در دل شهر، موضوع هدر رفت فیزیکی همچنان پابرجاست. فرسودگی شبکه های آبرسانی و نشتی لوله ها بخشی دیگر از داستان بحران است. طبق گفته مسئولان، میانگین هدر رفت فیزیکی در کشور حدود ۱۵ درصد است؛ در تهران این رقم به ۱۰٫۲ درصد می رسد. هرچند پایین تر بودن این رقم نسبت به میانگین کشوری می تواند نشانه ای از تلاش های مدیریت شهری باشد، اما در شرایطی که هر لیتر آب ارزش حیاتی دارد، این میزان



۷

در چنین شرایطی، مسئولان برای مهار فوری بحران به راه حل هایی کوتاه مدت روی آورده اند. یکی از این راه ها، استفاده از چاه های کشاورزی برای تامین آب شرب است. تاکنون ۱۴۰ حلقه چاه وارد مدار تامین شده و مذاکراتی نیز برای استفاده از حدود ۵۰ حلقه چاه شهرداری تهران در جریان است

۷

طبق گزارش های رسمی، حدود ۳۰ درصد از محصولات کشاورزی کشور از مزرعه تا مصرف کننده نهایی به ضایعات تبدیل می شوند. یعنی از هر سه کیلو محصول زراعی یک کیلو هیچ گاه به دست مصرف کننده نمی رسد. وقتی به سبزیجات و صیفی جات می رسیم، اوضاع وخیم تر می شود زیرا تولید سبزیجات حدود ۵۰ درصد بیش از نیاز کشور است و میوه ها نیز با ۲۵ درصد مازاد تولید مواجه اند



دونر، از مهاجرت ترک‌ها تا قلب فرهنگ آلمان

قیمت کباب ترکی در آلمان به ۷ یورو رسیده و اعتصابات کارگری در کارخانه‌های تولید گوشت،

ترس از کمبود این غذای محبوب را دامن زده است



رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

اوکراین تشدید شده، صدای بسیاری از مشتریان، به‌ویژه جوانان را در آورده است. سال گذشته، حزب چپ‌گرای «دی لینکه» حتی خواستار اعمال سقف قیمت ۴.۹ یورویی برای هر دونر شده و پیشنهاد داده که دولت با یارانه ۳ یورویی برای هر دونر، هزینه سالانه ۴ میلیارد یورویی را متحمل شود اما اولاف شولتس، صدراعظم وقت آلمان، این ایده را رد کرده و گفته است: «ما در اقتصاد بازار آزاد زندگی می‌کنیم». در هفته اخیر، اعتصابات کارگری در کارخانه «بیر تات» در شهر مور، نزدیک اشتوتگارت که یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان گوشت دونر در آلمان است، نگرانی‌ها را تشدید کرده است. کارگران این کارخانه که به طور عمده مهاجرانی از ترکیه، رومانی و بلغارستان هستند، خواستار افزایش ۳۷۵ یورویی حقوق ماهانه و قرارداد جمعی هستند. شرایط سخت کاری در دمای نزدیک به صفر و اختلافات حقوقی چشمگیر بین کارگران، اعتصابات مکرر را به دنبال داشته است. این کارخانه که ماهانه به ۱۳ میلیون مشتری خدمات می‌دهد، با توقف تولید در اعتصابات کوتاه‌مدت، ترس از کمبود دونر را در میان رستوران‌داران و مشتریان برانگیخته است. حلیل دومان، صاحب رستوران پرگامون دونر در ایستگاه فریدریش اشتراسه برلین، می‌گوید: «هزینه مواد اولیه بالا رفته و سود ما صفر شده. اگر قیمت را بیشتر بالا ببریم، مشتری‌ها دیگر سراغ ما نمی‌آیند. نله لنگفلد، دانشجوی ۲۲ ساله نیز که برای ناهار به این رستوران آمده، می‌گوید: «دونر برای من که با بودجه محدود زندگی می‌کنم، غذای خوشمزه و مقرون به‌صرفه‌ای بود. حالا با این قیمت‌ها خیلی نگرانم».

مناقشه ترکیه و آلمان: دعوا بر سر مالکیت مغنوی
در کنار این چالش‌های داخلی، مناقشه‌ای بین‌المللی

بر سر مالکیت مغنوی دونر کباب شکل گرفته است. ترکیه در آوریل ۲۰۲۲ در خواستی به کمیسیون اتحادیه اروپا ارائه کرد تا دونر را به‌عنوان «تخصص سنتی تضمین‌شده» (TSG) ثبت کند، مشابه پیتزای ناپولی و ژامبون سرانو. این درخواست که توسط فدراسیون بین‌المللی دونر در استانبول تنظیم شده، خواستار استانداردسازی دونر در اروپا با استفاده از گوشت گاو (از گاوهای حداقل ۱۶ ماهه)، بره یا مرغ، با ضخامت برش ۳ تا ۵ میلی‌متر برای گوشت قرمز و ۱ تا ۳ سانتی‌متر برای مرغ و مزه‌دار کردن با ادویه‌های خاص مانند آویشن، فلفل و ماست است. این پیشنهاد با واکنش تند آلمان مواجه شده است. وزارت کشاورزی آلمان، با حمایت تولیدکنندگان و انجمن هتل‌ها و رستوران‌های این کشور، در ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴ به طور رسمی به این درخواست اعتراض کرد. آنها معتقدند این استانداردها که گوشت بوقلمون، گوساله و گزینده‌های گیاهی محبوب در آلمان را شامل نمی‌شود، تنوع فرهنگی دونر در این کشور را تهدید می‌کند و می‌تواند هزینه‌ها و پیچیدگی‌های بوروکراتیک را افزایش دهد. جیم اوزدمیر، وزیر کشاورزی آلمان که خود ترک‌تبار است، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دونر بخشی از آلمان است. نیازی به دستورالعمل از آنکارا نیست». این مناقشه که تا بهار ۲۰۲۶ توسط کمیسیون اروپا بررسی خواهد شد، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد.

در صورت پذیرش درخواست ترکیه، رستوران‌های آلمانی باید با روش پخت خود را تغییر دهند یا نام «دونر» را کنار بگذارند و از عباراتی مانند «ساندویچ گیاهی» استفاده کنند. این موضوع برای صنعتی که سالانه ۷ میلیارد یورو در اروپا و ۲.۳ میلیارد یورو در آلمان درآمد دارد، چالش بزرگی است.

دلارهای آمریکایی برای بازداشت مادورو

دولت آمریکا پاداش اطلاعاتی منجر به بازداشت رئیس‌جمهور ونزوئلا را به ۵۰ میلیون دلار افزایش داد



دولت ایالات متحده پاداش ارائه اطلاعاتی که به بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا منجر شود را به ۵۰ میلیون دلار افزایش داده است؛ مبلغی که دو برابر جایزه تعیین‌شده برای اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده است. وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای مادورو را به نقض قوانین مرتبط با مواد مخدر متهم کرده و او را هدایت‌کننده شبکه‌ای معرفی کرده که به ادعای آنها امنیت منطقه را تهدید می‌کند. مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا، در شبکه ایکس، مادورو را رهبر یک سازمان قاچاق مواد مخدر توصیف کرد که ونزوئلا را تحت کنترل دارد. پاملا باندی، وزیر دادگستری آمریک نیز در ایکس ادعا کرد مادورو مسئول ورود مواد مخدر و خشونت به آمریکا است. با این حال، ایوان خیل پینتو، وزیر خارجه ونزوئلا، این اقدام را یک صحنه‌سازی و تلاشی برای مداخله در امور کشورش خواند و تحریم‌های آمریکا را عامل اصلی مشکلات ونزوئلا دانست. مادورو که از سال ۲۰۱۳ قدرت را در دست دارد، پس از انتخابات ۲۰۲۴ بار دیگر خود را پیروز اعلام کرد و تا ۲۰۳۱ در قدرت خواهد ماند. این انتخابات

با اعتراضات گسترده و اتهامات تقلب همراه بود. اپوزیسیون ونزوئلا به رهبری ادموندو گونزالس که در مادرید در تبعید است، مدعی پیروزی است. جمعیت این کشور، از سال ۲۰۱۵ به دلیل فقر، کمبود مواد غذایی و ناامنی مهاجرت کرده‌اند. این بحران، یکی از بزرگ‌ترین موج‌های آوارگی در نیم کره غربی را رقم زده است. اقتصاد ونزوئلا نیز با تورم شدید و کاهش ۸۰ درصدی تحریم‌های بین‌المللی رنج می‌برد. بر اساس گزارش سازمان ملل، حدود ۷.۸ میلیون نفر، نزدیک به یک چهارم جمعیت این کشور، از سال ۲۰۱۵ به دلیل فقر، کمبود مواد غذایی و ناامنی مهاجرت کرده‌اند. این بحران، یکی از بزرگ‌ترین موج‌های آوارگی در نیم کره غربی را رقم زده است. اقتصاد ونزوئلا نیز با تورم شدید و کاهش ۸۰ درصدی تحریم‌های بین‌المللی رنج می‌برد.

دیلی‌نیوز آمریکا، عکس و تیتیر اصلی خود را به حساسیت ترامپ بر سر انتخابات شهرداری نیویورک و مستندات دخالت‌های مستقیم او برای عدم موفقیت زهران ممدانی در این انتخابات اختصاص داد.

ساوت‌چایننا مورنینگ چین از رشد ۷.۲ درصدی رشد صادرات چین خبر داد. مقصد اصلی کشتی‌های چینی، اروپا و آمریکای لاتین عنوان شده و دلیل اصلی این رشد نیز تعرفه‌های ترامپ است.



پنگه دنیا

سیب گازخورده، ساخت آمریکا

با اعلام تیم کوک، کمپانی اپل تولیدات خود در خاک آمریکا را با سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری کلید زد



در مراسمی با شکوه در دفتر بیضی کاخ سفید، تیم کوک، مدیرعامل اپل، با اهدای یک مجسمه شیشه‌ای منحصر به فرد با پایه‌ای از طلای ۲۴ عیار به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از تعهد جدید این شرکت برای سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری در خاک آمریکا خبر داد. این سرمایه‌گذاری، مجموع تعهدات اپل در آمریکا را به ۶۰۰ میلیارد دلار طی چهار سال آینده می‌رساند و معافیت این غول فناوری از تعرفه‌های سنگین ۱۰۰ درصدی بر نیمه‌رساناها را تضمین می‌کند. این حرکت، نه‌تنها یک مانور سیاسی هوشمندانه برای جلب نظر دولت ترامپ است، بلکه تلاشی استراتژیک برای حفظ جایگاه اپل در بازار جهانی در میان طوفان تعرفه‌های تجاری است. مجسمه اهدایی، ساخته شرکت کورنینگ در کنتاکی، یک دیسک شیشه‌ای بزرگ با لوگوی حکاکی‌شده اپل، نام دونالد ترامپ، امضای تیم کوک و عبارت «ساخت آمریکا» به همراه سال ۲۰۲۵ است. این اثر که توسط یک سرباز سابق نیروی دریایی آمریکا و کارمند فعلی اپل طراحی و پا به پای آن از یوتا تأمین شده، نمادی از تعهد اپل به تولید داخلی و تقویت روابط با دولت کنتوکی است. ترامپ که از زمان بازگشت به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵ فشار بر شرکت‌های فناوری برای تولید داخلی را افزایش داده، این اقدام را گامی بزرگ به سوی تحقق رویای «ساخت آیفون در آمریکا» توصیف کرد و گفت: «شرکت‌هایی مثل اپل به خانه بازمی‌گردند و این فقط آغاز راه است.» با این حال، کوک با احتیاط خاطر نشان کرد که اگرچه قطعاتی مانند نیمه‌رساناها، شیشه‌های محافظ و مازول‌های تخصصی چهره در آمریکا تولید می‌شوند، مونتاژ نهایی آیفون به دلیل هزینه‌های بالای نیروی کار و پیچیدگی زنجیره تأمین جهانی، خارج از آمریکا باقی خواهد ماند.

این سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری که در ادامه تعهد ۵۰۰ میلیارد دلاری پیشین اپل اعلام شده، شامل همکاری با شرکت‌هایی مانند کورنینگ، تگزاس اینسترومنتس، امکور و تی‌اس‌ام‌سی برای توسعه زیرساخت‌های تولید در آمریکا است. کورنینگ اعلام کرده به زودی تمام شیشه‌های محافظ آیفون و اپل واچ در سراسر جهان از کارخانه‌اش در کنتاکی تأمین خواهد شد. همچنین، اپل با سرمایه‌گذاری در تأسیسات تی‌اس‌ام‌سی در آریزونا که تراشه‌های ۳ نانومتری تولید می‌کند، در تلاش است تا وابستگی خود به تایوان را کاهش دهد. این پروژه‌ها، علاوه بر ایجاد ۴۵۰ هزار شغل غیرمستقیم در زنجیره تأمین، ۲۰ هزار فرصت شغلی مستقیم در زمینه‌های

تحقیق و توسعه، طراحی تراشه و هوش مصنوعی در ایالت‌هایی مانند آریزونا، تگزاس و کارولینای شمالی ایجاد خواهد کرد. اپسل همچنین برنامه‌ای به نام «برنامه تولید آمریکایی» را معرفی کرده که هدف آن ایجاد یک زنجیره تأمین سیلیکونی یکپارچه در آمریکا است. این برنامه شامل ساخت سرورهای پیشرفته در هیوستون برای پشتیبانی از پلتفرم هوش مصنوعی «اپل اینتلیجنس» و گسترش تولید محتوای اپل‌تی‌وی پلاس در ۲۰ ایالت آمریکاست. سخنگوی کاخ سفید این سرمایه‌گذاری را «کلیدی برای امنیت اقتصادی و ملی آمریکا» خوانده و تأکید کرده که بازگشت تولید قطعات حیاتی به خاک آمریکا، وابستگی به واردات را کاهش خواهد داد.

این اعلامیه در حالی مطرح شده که سیاست‌های تعرفه‌ای سختگیرانه ترامپ، هزینه‌های هنگفتی به اپل تحمیل کرده است. در سه‌ماهه منتهی به ژوئن ۲۰۲۵، اپل ۸۰۰ میلیون دلار و در سه‌ماهه سپتامبر حدود ۱.۱ میلیارد دلار به دلیل تعرفه‌های تجاری پرداخت کرده است. ترامپ که در ماه مه تهدید به اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر محصولات تولیدی اپل در خارج از آمریکا کرده بود، در هفته اخیر تعرفه ۱۰۰ درصدی بر واردات نیمه‌رساناها را اعلام کرد می‌تواند زنجیره تأمین اپل را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. اپل که اکثریت آیفون‌هایش در هند، چین و ویتنام تولید می‌شود، با این سرمایه‌گذاری تلاش می‌کند تا از فشارهای تعرفه‌ای کاسته و روابط خود با کاخ سفید را بهبود بخشد. با این حال، سابقه اپل در اجرای تعهدات سرمایه‌گذاری چندان درخشان

نیست. در سال ۲۰۱۹، کوک و ترامپ از کارخانه‌ای در تگزاس بازدید کردند که به عنوان خط تولید جدید معرفی شد اما در واقع این کارخانه از سال ۱۳ تا ۲۰ فعال بود اما تولید چندانی نداشت و تولیدات مربوط به آن در تایلند انجام می‌شد. تحلیلگران معتقدند این اعلامیه جدید نیز با الگوهای هزینه‌کرد معمول اپل همخوانی ندارد و ممکن است بیشتر یک حرکت سیاسی برای جلب نظر دولت باشد تا تغییری اساسی در استراتژی تولید.

تیم کوک که از سال ۲۰۱۱ سکان هدایت اپل را در دست دارد، با دیپلماسی ماهرانه‌اش شهرت دارد. او که در گذشته با لقب «تیم اپل» از سوی ترامپ خطاب شده بود، از طریق دیدارهای خصوصی، اهدای یک میلیون دلار به مراسم تحلیف ۲۰۲۵ و اکنون این هدیه نمادین، روابط نزدیکی با رئیس‌جمهور ایجاد کرده است. این استراتژی، به اپل کمک کرده تا در برابر تهدیدات تعرفه‌ای و فشارهای سیاسی مقاومت کند. با این حال، چالش‌های پیش رو کم نیستند. هزینه‌های جهانی و رقابت فزاینده در بازار فناوری، موانعی جدی برای تحقق کامل تولید داخلی هستند. رشد ۵ درصدی سهام اپل در روز اعلام این خبر، نشان‌دهنده اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی کوک در مدیریت این بحران است اما برخی تحلیلگران، مانند مینگ‌چی کو، معتقدند حتی با وجود تعرفه‌ها، انتقال کامل تولید به آمریکا از نظر اقتصادی به‌صرفه نیست و اپل ترجیح می‌دهد هزینه تعرفه‌ها را بپردازد تا اینکه زنجیره تأمین خود را از آسیا به آمریکا منتقل کند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



«کاغذ» آماده تسخیر صفحه نمایش: اسپین آف جنجالی «اداره» رونمایی شد!



شبکه پیکاک با انتشار اولین تریلر رسمی سریال «کاغذ» (The Paper)، هواداران سریال محبوب «اداره» (The Office) را به وجد آورد. این سریال که اسپین‌آفی برای نسخه آمریکایی «اداره» است، به تهیه‌کنندگی گرگ دنیلز و مایکل کومان ساخته شده و با داستانی تازه و بازیگرانی جدید، آماده پخش شده است. در این میان، اسکار نونز بار دیگر نقش آشنای اسکار مارتینز را ایفا می‌کند. داستان «کاغذ» درباره گروه مستندسازی است که پس از جلودانه کردن شعبه اسکرانتون شرکت کاغذ داندِر میفلین در «اداره»، حالا به سراغ یک روزنامه رو به زوال در غرب میانه آمریکا رفته‌اند. ناشری مسمم با کمک گزارشگران داوطلب تلاش می‌کند این روزنامه تاریخی را احیا کند. بازیگران مطرحی چون دامنل گلیسون، ستاره فیلم «جنگ ستارگان: ظهور اسکای‌واکر» و ساب‌رینا امپاچاتور، بازیگر سریال «تیلور سفید» در این سریال هنر نمایی می‌کنند. سریال «اداره» که بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ از شبکه ان‌بی‌سی پخش شد، بازسازی نسخه بریتانیایی سریالی به همین نام، نوشته ریکی جرویز و استیون مرچنت بود و در آن استیو کارل با نقش مایکل اسکات به شهرت رسید. «کاغذ» با الهام از همان فضای طنز و مستندگونه، از ۴ سپتامبر ۲۰۲۵ در شبکه پیکاک پخش خواهد شد. با توجه به موفقیت «اداره» و حضور ستارگان برجسته، انتظار می‌رود این سریال توجه مخاطبان را جلب کند و میراث «اداره» را ادامه دهد.

لیژون



● با وجود فعالیت در رشته‌های مختلف هنری، امروز بیشتر به عنوان نویسنده و تصویر گر کودک و نوجوان شناخته می‌شود. چرا این شاخه هنری را بیشتر ادامه دادید؟ آیا احساس و ارتباط خاصی با دنیای کودکان و نوجوانان دارید؟

من در رشته گرافیک و زیر مجموعه‌های آن مثل عکاسی، طراحی، چاپ دستی و... فعالیت کردم و همین رشته‌های هنری را در هنرستان تدریس کردم. عمده فعالیت‌م در پروژه‌های گرافیکی و بسانم‌افزار بود. در همین دوران برای مجله کودکان داستان هم می‌نوشتیم، ولی خیلی جدی و مستمر نبود، کم‌کم احساس کردم علاقه‌ام به نوشتن برای کودکان بیشتر از یک فعالیت ساده است و در کنارش به فکر تصویرگری برای داستان‌های خودم اقدام که باعث شد به سمت تصویرگری میل بیشتری پیدا کنم. در این مسیر از کلاس‌های آموزش نویسندگی و تصویرگری بهره بردم. دنیای کودکان و نوجوانان واقعا جذاب است، بخصوص ساعت‌هایی که در دبستان تدریس می‌کنم، با همه خستگی‌اش، برآیم پر از خاطرات جذاب می‌شود که گاهی منشاء شروع بعضی از داستان‌هایم همین خاطرات یا شیطنت‌های دانش‌آموزانم بوده. بچه‌ها انرژی خوبی دارند که باعث می‌شود چند ساعتی غرق در دنیای آنها و دغدغه‌ها دور باشد.

● در فعالیت برای بچه‌ها، ترجیح می‌دهید بیشتر داستان‌نویسی کنید یا تصویرگری؟
نویسندگی را که شروع کردم فکر کردم چقدر خوب می‌شود بتوانم تصویرگری داستان را هم انجام بدهم. وقتی می‌نویسم در ذهنم تصویرگری آن را هم می‌بینم؛ این که شخصیت داستان، دختر یا پسر، چه لباسی بپوشد دارد یا اگر حیوان است، چه شکلی است و فضای داستان چطور است. همین علاقه باعث شد از گرافیک به سمت تصویرگری گرایش پیدا کنم. گاهی در برخی مجلات که داستان‌هایم چاپ می‌شود، خودم تصویرگری آن‌ها را انجام می‌دهم و گاهی همکاران و دوستان خوب زحمت می‌کنند. در مورد چاپ کتاب هم، داستان‌هایم به دست دوستان تصویر گرم تصویرسازی شده و هنوز اتفاق نیفتاده که کتاب داستانم را خودم تصویرگری کنم. امیدوارم به زودی این اتفاق بیفتد.

● وقتی صحبت از تصویرگری کتاب کودک و نوجوان می‌شود، اغلب نقاشی‌های ساده و کودکانه در کتاب‌ها به ذهن می‌رسد. در حالی که می‌دانیم تصویرگری کودک فقط این نیست. نگاه و تعریف شما از این رشته هنری چیست؟

خیلی وقت‌ها وقتی اسم تصویرگری کودک و نوجوان می‌آید، بعضی افراد یاد نقاشی‌های خیلی ساده، رنگی‌رنگی و بانمک می‌افتند، ولی درواقع تصویرگری کودک یک هنر جدی، عمیق و پیچیده است. چرا که قرار است به زبان تصویر با ذهن و احساسات کودک ارتباط برقرار کند و این کار راحتی نیست. برای من، تصویرگری کودک یعنی ساختن دنیایی که بچه‌ها در آن خیال‌پردازی و احساس امنیت کنند، بترسند، بخندند یا حتی برای‌شان سوال پیش بیاید. کمک کردن به داستان برای این که کودک بهتر و عمیق‌تر با داستان ارتباط بگیرد. گاهی تصویر حتی از متن هم جلوتر می‌رود و بچه‌ها در تصویر چیزهایی را می‌فهمند که شاید متن نگفته باشد و همین باعث ایجاد تفکر می‌شود.

● اهمیت تصویرگری کتاب کودک و نوجوان را در چه می‌بینید؟ غیر از کتاب‌های کودکانه، از تصویرگری کودک و نوجوان، کجا و چگونه می‌توان استفاده کرد؟
به نظر من اهمیت تصویرگری در ایجاد تجربه احساسی، بصری و تخیلی برای بچه‌هاست. همین باعث می‌شود کتاب برای‌شان ماندگار شود. غیر از کتاب، تصویرگری کودک جاهای بسیاری کاربرد دارد. مثلاً در طراحی بازی‌های آموزشی، انیمیشن، برنامه‌های تلویزیونی کودک، نرم‌افزارها، پوسترهای تربیتی یا فرهنگی، حتی در طراحی بسته‌بندی محصولات کودک یا طراحی داخلی مهدکودک‌ها و اتاق کودک، چون دنیای کودک

شنبه‌نویس

تا این مرداد با آن مرداد توفیر کند

عسل آذپور
دبیر فرهنگ و هنر

شنبه‌نویس امروز توفیر دارد. از هفته پیش رو نیست، از جمعهای که گذشت است. اصلا تقویم با شنبه‌نویس‌ها هماهنگ نمی‌شود، شاید سال دیگر این شنبه‌نویس‌ها به تاریخ‌های درست بر بخورد. حالا که چنین است، بی‌حواس به تقویم از دیروز می‌نویسم.

لیخندهای کمر مق

دیروز روز ما بود. برخلاف همه که پیشواز رفتند، من فردای روز خبرنگار از روزی نوشتم که سال‌هاست با بغض و ناراحتی و لیخندهای کمر مق همراه شده است. نه چون خبرنگاری دیگر در ایران معنا ندارد، که ندارد. نه چون حال خبرنگاران خوب نیست، که نیست. نه چون خبرنگاران هر ساله گروه گروه از دنیای خبر کوچ می‌کنند، که می‌کنند. نه چون شاینت خبرنگاری از بین رفته، که رفته. نه چون قلم خبرنگاران را رقم افتاده، که افتاده. نه چون حالا خبرنگاری به وسعت تمام افراد گسترش یافته، که یافته و نه چون دیگر کسی به وقت دیدن خبرنگار ریشه بر اندامش می‌افتد



● تصویرگری کودک یعنی ساختن دنیایی که بچه‌ها در آن خیال‌پردازی و احساس امنیت کنند

● تصویرگری ایران در جهان ظرفیت پیدا کرده است اما حمایت سازمان یافته و زیرساخت مناسب کم است

احمد رضا حجار زاده
هفت صبح

اعظم‌السادات سیادت، از اواخر دهه هفتاد فعالیت خود را در زمینه کودک و نوجوان آغاز کرده است. سیادت گرافیک خوانده اما به تصویرگری روی آورده است. او داستان‌هایی برای کودکان می‌نویسد و گاهی تصویرگری داستان‌هایش را خودش انجام می‌دهد. این نویسنده کودک، تصویرگری برای هر گروه سنی را خودش می‌گوید تصویرگری برای کودکان ساختن دنیای خیال‌پردازانه‌ای است که تصویر کامل و زیادی از دنیای اطرافش ندارد. کودکی که شوق و کنجکاوی دیدن تصاویر برایش متفاوت از نوجوانان است؛ این ناشناخته بودن کودکی از نظر سیادت اما کار را ساده نمی‌کند. این تصویرگر و نویسنده کودک ضمن تشریح شرایط کار تصویرگری برای کودکان از سختی‌ها و معایب کار به عنوان تصویرگر هم می‌گوید: از کم‌ارزش دیده شدن کار آن‌ها تا عدم حمایتی که باعث شده با وجود پیشرفت خوب این هنر در ایران، هنوز به جایگاه جهانی‌اش نرسد. او سابقه عضویت در انجمن‌های نویسندگان کودک و نوجوان، انجمن تصویرگران و انجمن خوش‌نویسان ایران را دارد و تاکنون در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های انفرادی و گروهی متعددی شرکت داشته است. سیادت منتخب بخش نویسندگی سوگواره سلسله طلایی با موضوع محرم (۱۴۰۱)، ورتبه نخست بخش تصویرسازی جشنواره حکیم ابوالقاسم فردوسی را نیز به دست آورده است.



با تصویر خیلی ارتباط دارد و تصویرگری راه خیلی مهمی برای ورود به آن دنیاست.

● کدام ویژگی‌های تصویرگری برای کودک و نوجوان، آن را از تصویرگری آثار بزرگسالان متمایز می‌کند؟
به نظر من یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های تصویرگری کودک و نوجوان با تصویرگری بزرگسال، نوع نگاه به مخاطب است. مخاطب کودک هنوز دنیای اطرافش را کاملاً نشناخته؛ هنوز مشغول تجربه و خیال‌پردازی است و با تصویر خیلی راحت‌تر از کلمه ارتباط برقرار می‌کند. به همین خاطر تصویرگری برای کودک باید هم خلاق تر باشد، هم قابل فهم‌تر و در عین حال خیال‌انگیزتر. در تصویرگری کودک، ما نمی‌خواهیم فقط چیزی را نشان بدهیم، بلکه باید یک حس خاص را منتقل کنیم یا حتی یک دنیای خیالی بسازیم که بچه در آن زندگی کند. در این مسیر، باید مراقب باشیم تصویرگری کودک دنیای امن و جذابی

تصویر؛ روایتی بی‌کلام ولی پر حرف



● آیا تصویرگری با ترسیم کاریکاتور و کارتون یکسان است؟ به نظر تان تصویرگران، توانایی ورود به عرصه‌های کاریکاتور و خلق شخصیت برای کارتون‌ها را دارند؟

نه، تصویرگری با کاریکاتور و کارتون یکی نیست، ولی گاهی به هم نزدیکند. تصویرگری بیشتر روی روایت داستان از طریق تصویر تمرکز دارد، مخصوصاً وقتی با متن همراه است، مثل کتاب‌های کودک و نوجوان. هدف تصویرگری این است که فضای داستان، حال و هوای شخصیت‌ها و احساسات لحظه‌ای را منتقل کند اما کاریکاتور بیشتر روی اغراق و گاهی طنز تمرکز دارد، معمولاً برای بزرگ‌ترها طراحی می‌شود و هدفش نقد، شوخی یا نگاه انتقادی به موضوعات مختلف است. کارتون و کاریکاتور یک رشته جذاب و جدا از تصویرگری هستند، به شرطی که تصویرگر مهارت طراحی خوبی داشته باشد و بتواند با تصویر و موضوعات مختلف شخصیت بسازد یا طبق موضوعاتی که مطرح می‌شود، وارد دنیای کارتون و حتی کاریکاتور شود. پایه همه آن‌ها طراحی، تخیل و شخصیت‌پردازی است، ولی باید بگویم نیاز به مطالعه و آموزش تمرین دارد. خودم اخیراً تلاش می‌کنم در زمینه کارتون فعالیت داشته باشم. درواقع تصویرگری یک دنیای باز است که می‌تواند درهای

● وضعیت تصویرگری امروز کشور را چطور و در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟ آیا هنر تصویرگران معاصر ایران، از استانداردهای جهانی برخوردار و قابل رقابت با نمونه‌های خارجی است؟ آیا کارهای شما در عرصه بین‌الملل نیز منتشر یا استفاده شده‌اند؟

تصویرگری در ایران طی سال‌های اخیر واقعا پیشرفت کرده. مخصوصاً در حوزه کتاب کودک خیلی از تصویرگرهای ایرانی کارهای فوق‌العاده و خلاقانه‌ای خلق کردند که قابل رقابت با نمونه‌های خارجی هستند. الان تصویرگرهای ما نه تنها از نظر تکنیک، بلکه از نظر نگاه شخصی، سبک و روایت تصویری، در سطح بالایی هستند. ما هنرمندهای با استعداد داریم. آن‌ها کارهایی می‌سازند که در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی دیده می‌شوند و جایزه می‌گیرند، یعنی واقعا ظرفیت جهانی وجود دارد. چیزی که شاید بیشتر از همه کم داریم، حمایت سازمان یافته و زیرساخت مناسب برای حضور مداوم در بازار جهانی است.

● وقتی می‌خواهید داستانی برای کودکان و نوجوانان بنویسید یا تصاویری برای آثارشان خلق کنید، ایده‌ها را چگونه پیدا می‌کنید؟ چه منابعی الهام‌بخش شما در سوزهای نویسندگی یا تصویرگری هستند؟
برای من، ایده از دل زندگی می‌آید. خیلی وقت‌ها از یک جمله ساده که یک بچه گفته یا یک حالت بامزه صورتش یا حتی یک گفت‌وگوی کوتاه که در خیابان شنیدم، جرقه یک داستان یا تصویر در ذهنم زده می‌شود. گاهی یک خاطره یا بچگی برمی‌گردد و حس خاصی در من زنده می‌کند. آن حس را دنبال طبیعت، حیوانات و رنگ‌ها نیز برای الهام‌بخش هستم. گاهی یک برگ خشک، یک لکه نور روی دیوار یا یک صدا، می‌تواند سوز یک تصویر یا داستان بشود. مطالعه کتاب‌های کودک ایرانی و خارجی، دیدن تصویرگری‌های هنرمندان داخلی و جهانی، دیدن فیلم و انیمیشن، استفاده از تجربیات اساتید و مداوم آموزش دیدن خیلی کمک می‌کند ذهنم باز بماند، ولی نگاه کردن به دنیا با چشم‌های کودکانه است که خیلی در ایده‌یابی موثر بوده و است.

● باید پشت‌تان به کسی گرم باشد. برای زیر و رو کردن جهان، باید جهان را در سکوت فرو ببرید.



● شاید امسال، سال آرزوها باشد

با این وجود دیروز، روز خبرنگار بود. روزی برای ماندگان این عرصه؛ همان‌ها که سخت اما دوام آوردند. کسانی که با همه تشنه و نتوانستن‌ها ایستاده‌اند و می‌نویسند و امید دارند که نوشته‌هایشان چیزی را در جایی تکان دهد، چیزی را جایی درست کند. شبیه پیام آن دوست روزنامه‌نگار که سال‌هاست از این شغل

آهی کشید و با افسوس گفت: «حیف که عمر تو منم شده!»

باید جهان را در سکوت فرو ببرید

شاید دکتر راست می‌گفت، عمر خبرنگاران تمام شده است! عمر خبرنگارانی که روزگاری با خبری کوتاه یک جهانی را زیر و رو می‌کردند. با یک تیتیر رئیس‌جمهور تغییر می‌دادند. با یک افشاسازی کردن بسیاری را می‌فشرده. حتماً آن دکتر راست می‌گفت. حالا برای افشاسازی باید پول خرج کنید. برای یک تیتیر حسابی



زیادی را به روی آدم باز بکند، به شرطی که آدم اهل یادگیری و تجربه باشد.

● مهم‌ترین مسائل و موانعی که تصویرگران با آن روبه‌رویند، چیست؟ چه پیشنهاد یا راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها دارید؟

تصویرگری شغل خیلی شیرینی است، ولی بی‌دردر نیست. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که خیلی از تصویرگرها با آن روبه‌رو هستند، کم‌ارزش دیده شدن کارشان است. خیلی وقت‌ها فکر می‌کنند تصویر فقط یک تزیین است، نه یک بخش جدی از اثر. برای همین، دستمزدها پایین است یا زمان و احترام کافی به کار تصویرگر داده نمی‌شود. چالش دیگر، نبود قراردادهای حرفه‌ای است. خیلی از همکاری‌ها بدون قرارداد یا با شرایط مبهم شروع می‌شوند که در آخر هم ممکن است به اختلاف یا حتی نپرداختن حق الزحمه ختم شود. یک مشکل دیگر، نبود حمایت‌های صنفی و قانونی است. هنوز خیلی از تصویرگرها امنیت شغلی ندارند و فضای ثابتی برای رشد و دیده شدن برای آن‌ها وجود ندارد. البته انجمن تصویرگران ایران تلاش می‌کند به تصویرگرها کمک کند تا بهتر و بیشتر دیده شوند و بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. از سوی دیگر، دسترسی محدود به آموزش‌های به‌روز هم یک دغدغه‌ست. به خصوص برای آن‌ها که در شهرهای کوچک هستند یا امکانات کمتری دارند. تصویرگری یک کار دائمی در حال پیشرفت است. منابع آموزشی و اساتید خوب در کشور وجود دارد، ولی از لحاظ منابع خارجی گاهی محدود است. البته با وجود فضای مجازی و اینترنت، این دسترسی‌ها راحت می‌شود اما پرداخت هزینه‌های زیاد و دسترسی نداشتن به اینترنت با سرعت مناسب و تحریرها، باز هم مسیر را دشوار می‌کند.

● وضعیت تصویرگری امروز کشور را چطور و در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟ آیا هنر تصویرگران معاصر ایران، از استانداردهای جهانی برخوردار و قابل رقابت با نمونه‌های خارجی است؟ آیا کارهای شما در عرصه بین‌الملل نیز منتشر یا استفاده شده‌اند؟
تصویرگری در ایران طی سال‌های اخیر واقعا پیشرفت کرده. مخصوصاً در حوزه کتاب کودک خیلی از تصویرگرهای ایرانی کارهای فوق‌العاده و خلاقانه‌ای خلق کردند که قابل رقابت با نمونه‌های خارجی هستند. الان تصویرگرهای ما نه تنها از نظر تکنیک، بلکه از نظر نگاه شخصی، سبک و روایت تصویری، در سطح بالایی هستند. ما هنرمندهای با استعداد داریم. آن‌ها کارهایی می‌سازند که در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی دیده می‌شوند و جایزه می‌گیرند، یعنی واقعا ظرفیت جهانی وجود دارد. چیزی که شاید بیشتر از همه کم داریم، حمایت سازمان یافته و زیرساخت مناسب برای حضور مداوم در بازار جهانی است.

● وقتی می‌خواهید داستانی برای کودکان و نوجوانان بنویسید یا تصاویری برای آثارشان خلق کنید، ایده‌ها را چگونه پیدا می‌کنید؟ چه منابعی الهام‌بخش شما در سوزهای نویسندگی یا تصویرگری هستند؟
برای من، ایده از دل زندگی می‌آید. خیلی وقت‌ها از یک جمله ساده که یک بچه گفته یا یک حالت بامزه صورتش یا حتی یک گفت‌وگوی کوتاه که در خیابان شنیدم، جرقه یک داستان یا تصویر در ذهنم زده می‌شود. گاهی یک خاطره یا بچگی برمی‌گردد و حس خاصی در من زنده می‌کند. آن حس را دنبال طبیعت، حیوانات و رنگ‌ها نیز برای الهام‌بخش هستم. گاهی یک برگ خشک، یک لکه نور روی دیوار یا یک صدا، می‌تواند سوز یک تصویر یا داستان بشود. مطالعه کتاب‌های کودک ایرانی و خارجی، دیدن تصویرگری‌های هنرمندان داخلی و جهانی، دیدن فیلم و انیمیشن، استفاده از تجربیات اساتید و مداوم آموزش دیدن خیلی کمک می‌کند ذهنم باز بماند، ولی نگاه کردن به دنیا با چشم‌های کودکانه است که خیلی در ایده‌یابی موثر بوده و است.



کوچ کرده اما هنوز دلش برای جهان نوشتن‌های تأثیرگذار می‌تپد. «چه خوب که دوام آوردید و چه خوب که ادامه می‌دهید. امیدوارم امید شما، آینده را بهتر کند». دیروز ما با لیخنند و دلگرمی به آینده نگاه کردیم؛ به آینده‌ای که با ملامت شاید به روزهای سال ۱۳۱۶ بازگردیم. آن روز که میرزا محمد صالح شیرازی نخستین روزنامه چاپی را در ایران منتشر و انقلاب بزرگی به پا کرد. شاید که امسال، آغازگر انقلاب دیگری باشد. شاید امسال، سال آرزوها باشد. که رسانه بماند، بتواند و بسازد.

روز خبرنگار - هفت صبح

اگر «عیسی» به درد می‌خورد پرسپولیس او را نگه می‌داشت

مرفاوی: می‌دانم آل‌کثیر را خودسایپنتو به باشگاه سفارش داد!

❖ چه کسی به سرمربی استقلال مشورت می‌دهد؟ ❖ گلر یازنشسته و ۳۸ساله چگونه با استقلال پست؟ ❖ ملاک بازی در رئال مادرید باشد، کاسیاس را بخرید!

هم روی فضای مجازی و کانال‌های مثل هواداری استقلال نیست و این افراد سودجو در فوتبال ایران جولان می‌دهند.

❖ از این بحث که بگذریم، نظر شما در خصوص جدایی سیدحسین حسینی از استقلال چیست؟ به هر حال هر آمدنی یک رفتنی دارد. خود ما هم یک روز با عشق و علاقه به استقلال آمدیم و به جبر زمان از این تیم رفتیم، سیدحسین هم خیلی برای استقلال زحمت کشید و باید قدردان او و همه زحمتکشان باشگاه باشیم، برای سیدحسین هم آرزوی موفقیت می‌کنم.

❖ به عنوان پرسش آخر، فکر می‌کنید شانس کدام تیم برای قهرمانی لیگ‌تر تو بیشتر باشد؟

من که دوست دارم تیم محبوبم استقلال قهرمان شود اما واقعیت امر این است که شانس تراکتور و سپاهان بیشتر است، جنس بازیکنان این دو تیم جور تر است، سرمربی تراکتور هم تجربه بالایی دارد و شاید همین موضوع شانس این تیم را افزایش دهد، البته باز تکرار می‌کنم آرزوی من قهرمانی استقلال است اما...



ستاره اسبق خط حمله استقلال در خصوص وضعیت این روزهای باشگاه و نقل و انتقالات اخیر آبی‌پوشان تهرانی صحبت کرد. به گزارش هفت‌صبح ورزشی، صمد مرفاوی در گفت‌وگویی صریح و بی‌پرده به نکاتی در خصوص باشگاه استقلال، نقل و انتقالات تابستانی، ریکار دو سایپنتو و همچنین خرید عیسی آل‌کثیر پرداخت که ماحصل آن را در زیر می‌خوانید.

❖ بدون هیچ مقدمه‌ای می‌خواهیم نظر شما را در مورد خرید آنتونیو آدان گلر سابق رئال مادرید بدانیم؟

چه بگویم؟ مبارک باشد!

❖ این تیریک یک طعنه بود دیگر؟!

آخر من چه بگویم؟ هر حرفی بزنم داستان می‌شود و می‌گویند صمد مرفاوی می‌خواهد تیم استقلال را به‌هم بریزد اما نمی‌دانم چگونه گلر ۳۸ساله و یازنشسته با استقلال قرارداد بسته است؟!

❖ اما آدان سابقه بازی در رئال مادرید را دارد؟

اگر ملاک بازی در رئال مادرید باشد، پس دوستان بروند کاسیاس گلر افسانه‌ای سابق رئال را بخرند! این چه حرفی است؟ طرف ۳۸ساله است و یک سال پیش هم یازنشسته شد. او چه فرقی با آل‌کثیر دارد؟!

❖ عیسی البته ۳۵ساله است؟

خرید این بازیکن هم اشتباه بزرگی بوده است، عیسی آل‌کثیر اگر الان به درد می‌خورد، مطمئن باشید پرسپولیس او را نگه می‌داشت و از دست نمی‌داد. من می‌دانم خود ریکاردو سایپنتو سرمربی استقلال، آل‌کثیر را به استقلال سفارش داده اما همه چیز گردن مدیرعامل و بقیه شکست! این را هم نمی‌دانم چه کسی به سایپنتو مشورت می‌دهد که چنین خریدهایی می‌کند؟!

❖ ظاهراً خیلی هم از آنتونیو آدان در اولین جلسه تمرینی این دروازه‌بان تعریف کرد؟

من نمی‌خواهم قضاوت زود هنگام داشته باشم ولی خیلی نمی‌توان به این خرید دل بست و خوشبین بود، البته امیدوارم من اشتباه کرده باشم. ❖ از اختلافات پنهان و آشکار مدیریتی در باشگاه استقلال با خبر

هستید؟

کامیاب یک چیزهایی شنیده‌ام و واقعا هم نمی‌دانم در باشگاه استقلال چه می‌گذرد؟ این باشگاه حدود یک دهه می‌شود که از ایسن اختلافات و همدل نبودن مدیران خود رنج می‌برد. در گذشته

محرم نوید کیاو باشگاه سپاهان اصفهان تصمیم گرفته‌اند

به هر شکل ممکن ستاره‌های تیم‌های رقیب را خریداری کنند

پیشنهاد ۱۰۰میلیارد تومانی سپاهان به آقای گل پرسپولیس!

با پیشنهاد وسوسه‌انگیز ۱۰۰ میلیارد تومانی (برای یک فصل) سراغ علی‌علیپور بهترین گلزن و ستاره پرسپولیس در فصل گذشته رفته است. ظاهراً قرارداد علی‌علیپور با پرسپولیس ۲ساله بسته شده اما همه چیز منوط به توافق مجدد طرفین در سال دوم است.

بنابراین باشگاه پرسپولیس باید رضایت بهترین مهاجم خود را جلب کند آن هم در حالی که رقیب اصفهانی، پیشنهاد ۱۰۰ میلیارد تومانی به علی‌علیپور ارائه کرده است!



گروه ورزش | به گزارش هفت صبح ورزشی، پنجشنبه گذشته ریکاردو آلوز، هافبک پرتغالی، پس از توافق با تیم فوتبال فولاد مبارک سپاهان، با قراردادی به مدت دو فصل، به سپاهان پیوست.

این بازیکن سابقه بازی در رده‌های سنی تیم ملی پرتغال را در کارنامه دارد؛ آلوز در ۳ فصل گذشته، ۲بار عنوان بهترین گل‌ساز لیگ‌برتر ایران را به دست آورده است.

پیش‌تر محمدرضا نژادی مالک تراکتور تبریز مدعی شد محمدرضا اخباری دروازه‌بان سابق این تیم و فعلی سپاهان اصفهان، او را هوایی کرده است!

البته باشگاه تراکتور نمی‌تواند خیلی به سپاهانی‌ها خُرده بگیرد چراکه همین تیم تبریزی سال گذشته، به شیوه بایرن مونیخ آلمان، اصلی‌ترین رقیب خود (بخوانید پرسپولیس) را تضعیف کرد تا مسیر قهرمانی خود را هموار کند.

نژادی و تیمش فهمیده بودند که اگر قرار است جایی به تبریز برود، باید از تهران عبور کند؛ نه فقط در زمین، بلکه پشت صحنه، آنها این بار مستقیم به سراغ مغز و قلب تیم قهرمان رفتند. مهدی ترابی، دانیال اسماعیلی‌فر و علیرضا بیرانوند؛ نام‌هایی که سال‌ها ستون پرسپولیس بودند و در قهرمانی سرخ‌ها هم تأثیر کمی نداشتند که حالا

مرد جوان موقع در ست کردن سالاد برای ناهار با همسرش درگیر شد و با چاقوی آشپزخانه او را کشت

خودسوزی مرد عاشق بعد از قتل همسر

درگیری لفظی به خاطر سفر نوروزی بین زن و شوهر رنگ خون گرفت



رسیدگی به یکی از تلخ‌ترین پرونده‌های جنایی سال ۱۴۰۲، با کشف جسد خونین زنی جوان در خانه‌اش در شرق تهران، در حالی در دستور کار بازپرس جنایی تهران قرار گرفت که شوهر این زن از صحنه جنایت گریخته بود و به عنوان تنها مظنون پرونده، تحت تعقیب قضایی قرار گرفت.

جسد متعلق به مهین‌تاج، ۴۱ساله‌ای بود که چند سالی از ازدواج او با همسرش می‌گذشت. در ایام عید نوروز و در حالی که تعطیلات به هفتمین روز رسیده بود جسد مهین تاج کشف شد.

فردی که نخستین بار تحت تحقیقات جنایی قرار گرفت، مردی جوان به نام کیوان؛ همسایه روبه‌رویی خانه آن‌ها بود. کیوان در تحقیقات ابتدایی در باره لحظه کشف جسد گفت: «همچنان در شوک هستم، باور نمی‌کنم که چنین جنایتی در نزدیکی ما، در خانه روبه‌رویی، رخ داده باشد. خانواده‌ام و سایر همسایگان به قدری ترسیده بودیم که چند شب خانه را ترک کردیم.»

کیوان در ادامه روایت خود افزود: «حدود یک سال بود که مهین تاج و همسرش ساکن این ساختمان بودند. آشنایی ما با آن‌ها در حد سلام و احوال‌پرسی در راه‌پله بود. رفتار آن‌ها به‌ظاهر طبیعی به نظر می‌رسید. شوهرش هر روز صبح او را با خودروی پراید به محل کار می‌رساند. چند روزی از تعطیلات نوروز گذشته بود که پدر مهین تاج را دیدم. می‌گفت آمده تا به خانه دخترش سر بزنند. صبح روز بعد صدای درگیری از واحد آن‌ها شنیدم. البته در گذشته نیز گه‌گاه صدای مشاجره‌شان را شنیده بودم اما آن را دعوای رایج بین زوجین می‌دانستم.»

❖ روز حادثه

روزی که جنایت رخ داد، همه چیز در ظاهر عادی به نظر می‌رسید، تا اینکه پدر مهین تاج بار دیگر به ساختمان آمد؛ این بار همراه یک کلیدساز. کیوان می‌گوید: «پدر مقتول رنگ آیفون خانه ما را زد. او را شناختم. از من خواست که در را برایش باز کنم. گفت کلید خانه دخترش را گم کرده یا به او پس داده‌اند. پس از باز شدن در، همراه کلیدساز به طبقه بالا رفت. تنها چند دقیقه بعد، صدای شیون و فریاد بلند شد. جسد خونین مهین تاج وسط هال افتاده بود.»

با اعلام مرگ زن جوان، پلیس و تیم بررسی صحنه جرم به محل اعزام شدند. همسر مقتول در محل حضور نداشت و تلاش‌ها برای شناسایی و دستگیری او آغاز شد. دومین

مرگ مغزی او را اعلام کردند. در میانه درد و شوک خانواده‌امیر، تصمیمی بزرگ و انسانی گرفته شد. آن‌ها با اهدای اعضای بدن پسرشان موافقت کردند. امیر، پیش از آن‌که به‌طور کامل از دنیا برود، زندگی دوباره‌ای به چند بیمار دیگر بخشید؛ آخرین هدیه‌اش به دنیا، زندگی بود. در همان حال، دستگاه قضایی و پلیس پیگیر شناسایی و دستگیری عامل این جنایت بودند. خودروی قاتل شناسایی شده بود، اما از راننده‌اش خبری نبود. روزها و هفته‌ها گذشت، تا اینکه پس از حدود یک ماه، مردی جوان با چهره‌ای خسته و وجدان آشفته، قدم در یکی از کلانتری‌های اطراف تهران گذاشت. او بدون آنکه تردیدی داشته باشد، به قتل اعتراف کرد.

❖ اعتراف به جنایت

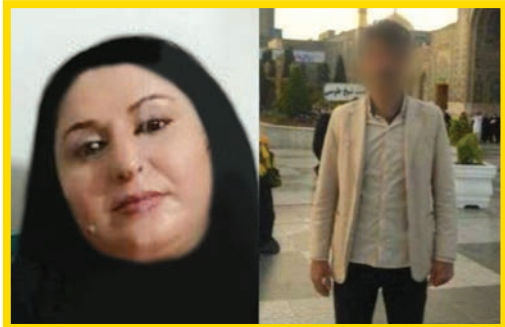
متهم در اعترافات اولیه‌اش گفت: «سال‌هاست برای امرار معاش مشغول مسافرکنشی هستم. روز حادثه، دیدم مردی با پرایدش در محل استقرارم توقف کرده و مسافر می‌زند. اعتراض کردم. مشاجره بالا گرفت. در یک لحظه از کنترل خارج شدم. به سمت ماشینم دویدم، قفل فرمان را برداشتم و... ضربه زدم. بعد هم ترسیدم و فرار کردم. اما هیچ‌گاه آرام نگرفتم. وجدانم آزارم می‌داد. بالاخره تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم.» با بازسازی صحنه جرم و تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه کیفری ارسال شد. متهم در برابر قضات قرار گرفت و به دفاع از خود پرداخت. با وجود ابراز پشیمانی شدید، خانواده‌داغدار امیر خواهان اجرای حکم قصاص بودند. آن‌ها پسرشان را از دست داده بودند؛ پسری که تازه زندگی مشترکش را آغاز کرده بود و با مرگش، زخمی عمیق بر دل خانواده‌اش نهاده بود. در نهایت، دادگاه حکم به اشد مجازات یعنی قصاص داد و این حکم به تأیید دیوان عالی کشور رسید. روزی که موعد اجرای حکم فرا رسید، مرد جوان تا پای چوبه دار رفت. نفس‌ها در سینه حبس شده بود. اما در واپسین لحظات، اولیای دم با بزرگواری فرصتی دوباره به او دادند و اجرای حکم را به تعویق انداختند.

❖ بخشش قاتل

اما زمان گذشت و مهلت دوباره‌ای تعیین شد. بار دیگر قاتل به سلول‌های مرگ بازگشت. در چند قدمی چوبه‌دار. در دل این لحظات سرنوشت‌ساز، اتفاقی افتاد که مسیر زندگی مرد جوان را برای همیشه تغییر داد. خانواده مقتول، این بار نه از سر ترحم، بلکه از سر عشق به امام حسین (ع)، تصمیمی بزرگ گرفتند. آن‌ها با شرکت در پوش «به عشق حسین (ع) می‌بخشم»، بدون هیچ شرط و چشم‌داشتی از اجرای قصاص گذشتند و قاتل را بخشیدند. مردی که روزی در اوج خشم، جان انسانی را گرفته بود، حالا در زندان، قرآن را حفظ کرده بود، دعا می‌خواند و نذر کرده بود که اگر بخشیده شود، نخستین قدمش را در مسیر زیارت کربلا بردارد؛ برای طلب بخشش از روح امیر و برای سپاس از خانواده‌ای که جان دوباره‌ای به او بخشیدند.

اکنون، با گذشت ۱۵سال از آن حادثه تلخ، قاتل به‌زودی از زندان آزاد خواهد شد. او که حالا مردی پخته‌تر و متحول‌شده است، می‌خواهد زندگی تازه‌ای را آغاز کند؛ با باری سنگین از گذشته، اما نگاهی تازه به آینده. بخشش، نه تنها جان او را نجات داد، بلکه چراغی روشن در مسیر بخشش، انسانیت و ایمان روشن کرد.

با گذشت اولیای دم از قصاص قاتل فرزندشان بعد از طی روال قانونی متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه خواهد رفت.



بخشش مردی که ۵۱سال پیش مرگش قتل شده بود؛ به عشق امام حسین (ع)

پایان کابوس قصاص برای قاتل راننده مسافرکش

با گذشت اولیای دم متهمی که در درگیری به خاطر مسافرکنشی مرگش قتل شده بود به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه می‌رود

در روزهایی که بسیاری در تب و تاب آماده شدن برای اربعین حسینی بودند، یک داستان عجیب، تلخ و در عین حال سرشار از امید، در دل دادگاه‌های کیفری و سلول‌های سرد زندان، به پایانی غیرمنتظره رسید. مردی که ۱۵سال پیش در یک لحظه خشم، دست به قتل زده بود، با گذشت اولیای دم از قصاص و مرگ رهایی یافت. اما آنچه این بخشش را بیش از پیش تأثیرگذار کرد، پیوند عمیق آن با عشق به امام حسین (ع) و اربعین حسینی بود.

❖ ماجرای قتل

ماجرا به ۱۵سال پیش بازمی‌گردد؛ یک روز عادی در خیابان‌های تهران، رهگذران ناگهان با صدای فریاد و درگیری مواجه شدند. دو مرد با یکدیگر به شدت مشاجره می‌کردند. هنوز مردم در شوک این نزاع بودند که یکی از آن‌ها با شتاب به سمت خودروی سمند خود رفت، در را گشود و قفل فرمان را بپرون کشید. در کسری از ثانیه، این ابزار آهنی تبدیل به سلاحی مرگبار شد. راننده خشمگین، با قفل فرمان ضربه‌ای سنگین به سر مرد جوان مقابلش وارد کرد و بی‌درنگ از صحنه گریخت.

رهگذران با دیدن این صحنه هولناک، بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتند. تلاش برای نجات جان مرد جوان آغاز شد. او که به‌شدت از ناحیه سر مجروح شده بود، به سرعت به بیمارستان منتقل شد. بررسی مدارک هویتی‌اش نشان داد که نام او «امیر» است؛ مردی جوان که مدت کوتاهی از ازدواجش گذشته بود. پزشکان تمام تلاش خود را برای حفظ جان او به کار بستند، اما شدت جراحت مغزی چنان بود که امیدها یکی‌یکی رنگ باختند. در نهایت، پزشکان

